

## آئینهای زایش و رویش در جنوب کرمان

### «سرزمین عشایر سلیمانی»

عباس عبدالله گروسی

گراز فصل زمستانست بهمین

چرا امشب جهان چون لاله زار است

«عصری»

#### پیشگفتار:

آئینهای زایش و رویش «سده سوزی» در میان عشایر کرمان آنگاه برگزار می‌گردد که زمستان در گرمسیر به پایان رسیده و بهار آغاز می‌شود. زایش گله که از دی ماه شروع شده بود، پایان یافته و برّه‌ها و کهره‌ها نوزاد، گزند سرمای چاچار\* را از سر گذرانده‌اند و به اعتقاد عشایر کرمان با پشت سر گذاردن چله، گله از خطر سرما و نابودی رسته و جان به سلامت برده‌اند و اینک به استقبال بهار می‌روند. عشایر چشم به آسمان دوخته‌اند، که باران بهاری، رویش علف و طراوت مرغزار را ارمغانشان آورد و گله‌زائیده را نیرو بخشد. شیرشان را بیافزاید و دهان نوزادان شیرخوارشان را آرام آرام با طراوت علف و بوی گیاه آشنا کند. تا در دومین نیمه فروردین ماه یعنی در ماه چهارم و پنجم زایش گله که آغاز «رم بالا» و «کوچ بار» و گاه حرکت به زیستگاه سرحدی و سردسیری است آنان را تنها به سخاوت مراتع مهمان کنند.

«ایام سده» در میان کشاورزان جنوب کرمان آغاز درختکاری، آماده

---

\*- دو چهار روز پایانی چله کوچک یعنی فاصله میان هفتم تا چهاردهم بهمن ماه را در چاچار می‌گویند. در روز چهارم زمستان که روز میانی چاچار است آئین سده سوزی برگزار می‌شود در جنوب کرمان خطر سرما تا پایان چله بزرگ دامهای نوزاد را تهدید می‌کند.

سازی باغ و کار در کشتزار می باشد. در این نوشتار نخست به کوتاهی، ویژگی های ساختاری عشایر طایفه سلیمانی بررسی می گردد و آنگاه به آئین زایش و رویش و برخی آئینها و باور داشت ها و رفتارها در ارتباط با زندگی کوچ زیستی در میان سلیمانیها و طوایف مجاور آنان می پردازیم.

جای بررسی نمادها و تحلیل تطبیقی، آئینها، باورداشت ها و ریشه یابی آن در این مقاله نمی باشد. مطالعه حاضر در سالهای ۶۳ - ۱۳۶۲ در جریان بررسی و مطالعه جوامع روستائی و عشایری حوزه آبریز غرب جازموریان در جنوب کرمان انجام شده است. امید آن که سودمند افتد و مورد پسند باشد.

## ۱- ویژگیهای ساختاری سلیمانیها

### ۱-۱- ساختار نظام ایلی:

سلیمانیهای، طایفه ای از ایل بزرگ مهنی Mehny می باشند که در جنوب استان کرمان از مرتفعات کوه هزار تا دشتهای پست و گرمسیری غرب هامون جازموریان زندگی می کنند.

وزیری در جغرافیای کرمان درباره ایل مهنی می نویسد:

«طایفه مهنی از ایلات قدیم کرمان است و در زمان پیش نام این ایل کوفج بوده و در همین کوهستان بهر آسمان، رمان، بارچی، لری، سلیمانی واقع در بلوک ساردوئیه منزل داشتند و در زمستان به جیرفت و اسفندقه قشلامیشی می کردند، اکنون هم همینطور است» \* دمشقی در نخبه الدهر در مورد سرزمین قوم قفص در کرمان می نویسد:

«در آن حدود، کوهستان قفص، مرکب از هفت «کوه بند» است از آن جمله کوهستان بارز که در آنجا، آهن و نقره یافت می شود و ساکنان آن جمعی از عشایر کوچ نشین اند که به شمار نمی آیند. از حیث کثرت و از شدت تهوری

\* احمدعلی خان وزیری. جغرافیای کرمان، به کوشش باستانی پاریزی. ناشر ابن سینا صفحه ۱۴

که دارند کسی نمی‌تواند بر آنها چیره و آنها را نابود کند.»\*  
شاخه دیگری از کوچها قوم بارز می‌باشند که این زمان در شمال جیرفت سکونت دارند. اصطخری سرزمین آنها را در قرن چهارم هجری چنین وصف می‌کند:

«جبال بارز، کوههای سردسیر است و پر نعمت و استوار، آنجا برف افتد و به روزگار گبرکان بودند و دزدی کردند، بدتر از کوچ و به روزگار بنی العباس مسلمان شدند و دست از بدیهای برداشتند و چنان بود کی یعقوب لیث و عمرو لیث سران ایشان را نیست کردند و ایشان آرام گرفتند و اندرین کوه‌ها معدن آهن باشد.»\*

طوایف تشکیل دهنده ایل مهنی تا اواخر دوران قاجار عبارت بودند از:  
طایفه سلیمانی، طایفه بهر آسمانی، طایفه مقبلی، طایفه مارکی، طایفه بارچی و مقصودی و افضلی. دیگر طوایف مانند کرد سلاجقه، سالاری، بز سفید، و ... جزو جمع ایل مهنی به شمار می‌رفتند.

به نظر می‌رسد که طایفه بزرگ جبال بارزی که حدود دو هزار خانوار آنان در روزگار قاجار به ناحیه اقطاع (بافت) کوچانده شده اند، پیش از این جزو اتحادیه ایلی مهنی قرار داشته‌اند. به موجب فرمانی به تاریخ ماه رمضان سال ۱۳۳۲ هجری قمری از طرف صمصام السلطنه بختیاری والی کرمان، لطفعلیخان صارم السلطان به حکومت حدود جیرفت و اسفندقه و مهنی و رابر انتخاب می‌شود.\*

پس از حوادث سال ۱۳۰۰ شمسی و دوران سرکوبی و تخته قاپوی و اسکان اجباری ایلات و تحولات سیاسی و اقتصادی بویژه دگرگونیهای چند دهه اخیر ساختمان ایل مهنی و نظام آن فرو پاشیده و پیوندهای آن حتی در درون طوایف و میان تیره‌های مختلف این طوایف نیز دارای استحکام و عملکرد نمی‌باشد.

\*- به نقل از کتاب وادی هفتواد، نوشته باستانی پاریزی، ناشر انجمن آثار ملی. صفحه ۶۷- ۲۷

\*- اصطخری، مسالک و ممالک - به کوشش ایرج افشار. بنگاه ترجمه و نشر کتاب صفحه ۲- ۱۴۱

\*- این فرمان را دوست گرامی ام آقای دکتر حسین احمدی تهرانی در اختیارم گذاشتند متن آن

ضمیمه گزارش می‌باشد.

\* \* \*

طایفه سلیمانی در حال حاضر از ۱۰ تیره تشکیل شده است و هر تیره چند اولاد و هر اولاد به چند ایشوم تقسیم می شود. اجتماع و گرد هم آیی چندین خانوار چادرنشین در یکجا، یک ایشوم را به وجود می آورد. (نمودار ۱). دو عامل همبستگی، فامیلی و همبستگی اقتصادی، سهم اصلی را در تشکیل و تکامل ایشوم دارا می باشند. رشد و تکامل ایشوم مانند سلولی است که در زمان نمو کامل تقسیم می شود، ایشوم پس از تشکیل بتدریج از نظر تعداد خانوار و دام رشد و توسعه می یابد. اما این رشد و نمو نمی تواند به طور نامحدود ادامه یابد. هر ایشوم ظرفیت معینی برای رشد و توسعه دارد وقتی به آن درجه از رشد رسید تقسیم می شود، آن چه این ظرفیت را محدود می سازد در درجه اول مرتع و تعداد گوسفندان گله است؛ (نمودار ۲). ایشوم یک واحد اجتماعی، اقتصادی و اصلی ترین گروه خویشاوندی در هر گروه ایلی به شمار می رود. اعضای ایشوم دارای گله مشترک بوده و بسته به قدرت و منزلت اجتماعی و اقتصادی، دارای تعدادی دام در گله یا گله های ایشوم می باشند. تعداد گوسفندان (میشینه و بزینه) هر ایشوم میان ۱۲۰۰ تا ۲۵۰۰ سر می باشد. گله همراه با چوپان به صحرا می رود و بره ها و بزغاله ها توسط کودکان دختر و پسر خانوار در اطراف سیاه چادرها چرانیده می شوند. موسم «چوپان بندی» و شراکت در گله در آخر خردادماه (نودم بهار) می باشد؛ در این هنگام ورود یا خروج خانوارها از ایشومی به ایشومی دیگر آزاد است. پس از چوپان بندی و عقد قرارداد یک ساله با چوپان برای نگهداشت گله، در نیمه دوم تیرماه نری (قوچ یا پازن) را برای جفت گیری طی مراسمی به داخل گله می اندازد که پس از ۵ ماه میش های آبستن بزایند. فصل زایش از نیمه دوم آذرماه شروع شده تا دی ماه ادامه دارد.

هر ایشوم بزرگتری دارد به نام «سرایشوم» که ایشوم به نام او خوانده می شود؛ مانند ایشوم خورشید سلیمانی از تیره میرزاخانی. وظایف سرایشوم عبارتست از: انتخاب قلمرو، تعیین زمان حرکت و زمان بندی چرا، اجاره مرتع و پس چر زراعت (سیفال) و حفاظت از حدود مراتع ایشوم، روابط خارجی در

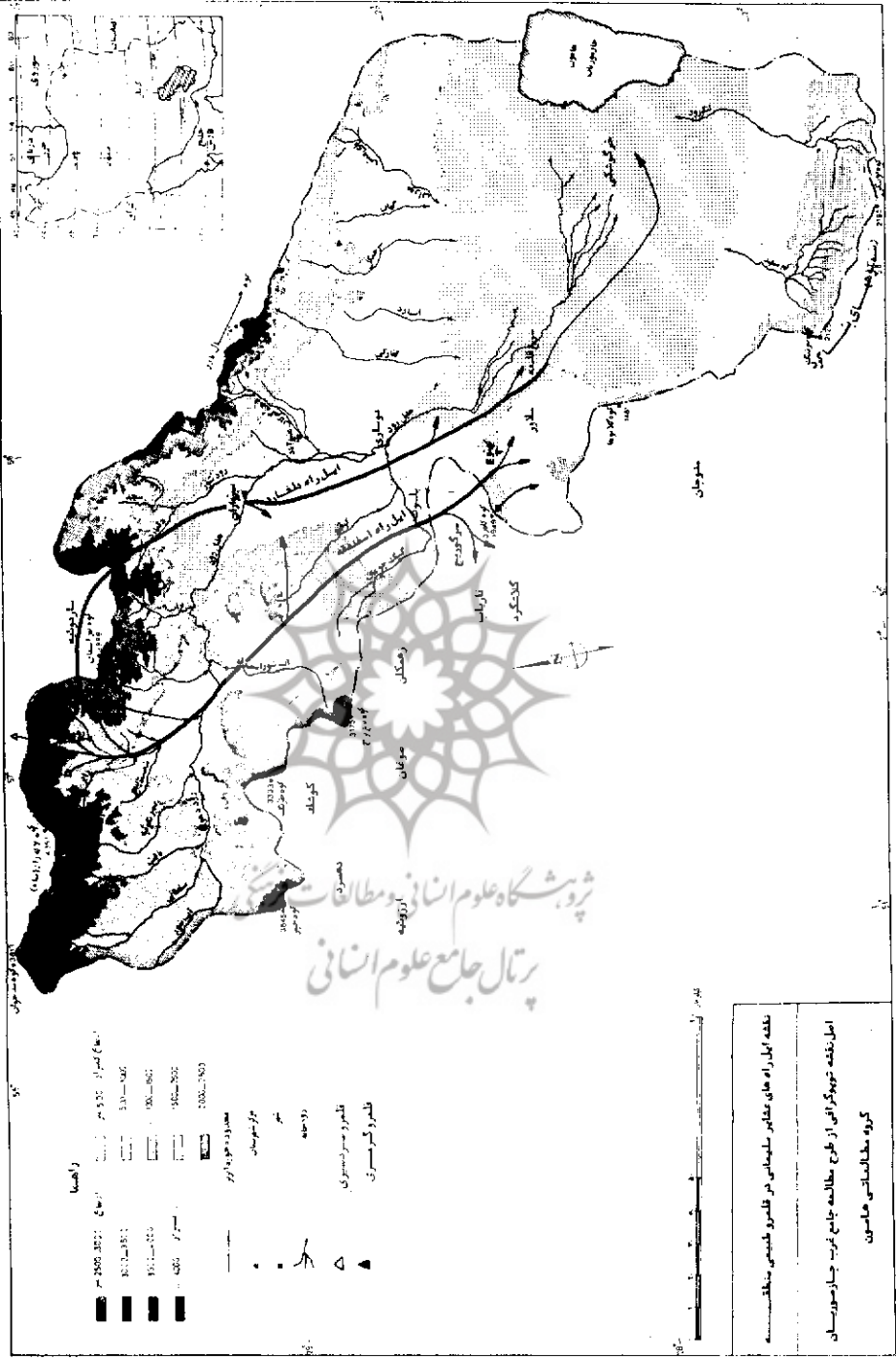
ارتباط با دیگر ایشومهای تیره، اخذ پروانه چرا و معاملات و عقد قرارداد با چوپان. ممکن است یکی از سرایشومها به عنوان کدخدا و بزرگتر تیره انتخاب شود و یکی از ریش سفیدان و بزرگان تیره ها به عنوان کلاتر و ریش سفید طایفه برگزیده گردد.

عوامل مؤثر در انتخاب بزرگ تیره و بزرگ طایفه عبارتند از:

قدرت شبکه فامیلی، قدرت رهبری و خبرگی، قدرت اقتصادی، ارتباطات خارجی، اقوام پدری، اقوام مادری، اقوام همسر و قدرت زن.



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ساختار طایفه سلیمانی به تفکیک تیره، اولاد، ایشوم\*

ردیف	نام تیره	نام اولاد	تعداد ایشوم	تعداد خانوار
۱	ابراهیمی	عبدالرضائی	۱	۱۲
		ابراهیمی	۱	۸
		امیرشکاری	۱	۱۴
		میرزا جانی	۶	۳۴
۲	حسینی	آقابابائی	۳	۳۰
		امیرشکاری	۳	۲۵
		احمدی	۲	۱۱
		امیری	۴	۲۹
		عیسی (عیسایی)	۱	۵
۳	خداوردی	خداوردی	۳	۱۲
۴	علی دادی	حاجی مرادی	۱۱	۸۴
		حاجی محمدنقی	۴	۲۸
		بزرگ سفید سالاری	۳	۱۴
		عباسی	۳	۲۲
۵	علی مرادی	نور احمدی	۳	۱۵
		خورده قلم - علی عوضی	۳	۹
		علی مرادی	۴	۱۲
۶	مارکی	محمد رحیمی	۲	۱۰
		موسائی	۱	۵
		محمد رضائی	۲	۸
۷	محمدی سلیمانی	کربلائی عالی	۵	۳۲

۲۱	۲	مختاری		
۱۱	۳	علی جان		
۸۴	۹	اولاد محیا		
۳۴	۵	پهروزی		
۳۳	۵	اولاد سلیمان		
۶	۲	ظهر علی	مشهدی ولی	۸
۱۲	۳	بیت الهی		
۱۵	۳	حبیب الهی		
۹	۲	میرزاخانی	میرزاخانی	۹
۹	۲	مجازی		
۷	۲	دوستی		
۴۸	۳	میرزائی سلیمانی	میرزائی عبدالعظیمی	۱۰
۷۰۸	۱۶۰	جمع کل		

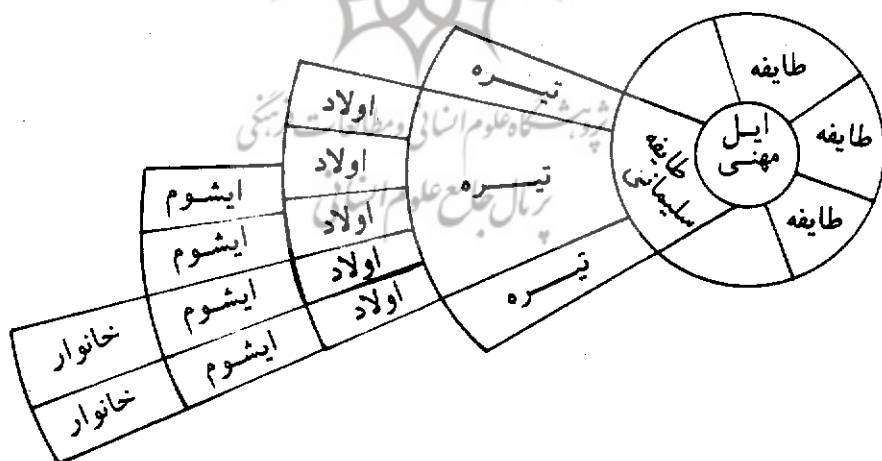
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



### سازمان ایل مهنی

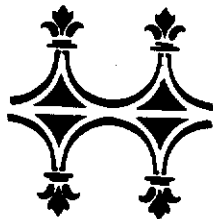
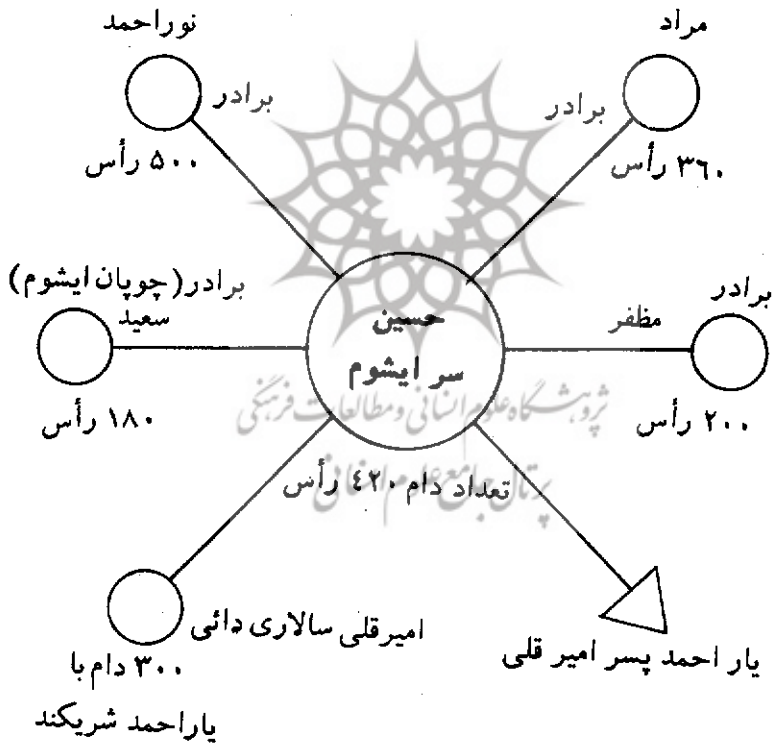
تقسیمات:

- ۱- ایل
- ۲- طایفه
- ۳- تیره
- ۴- اولاد
- ۵- ایشوم
- ۶- خانوار



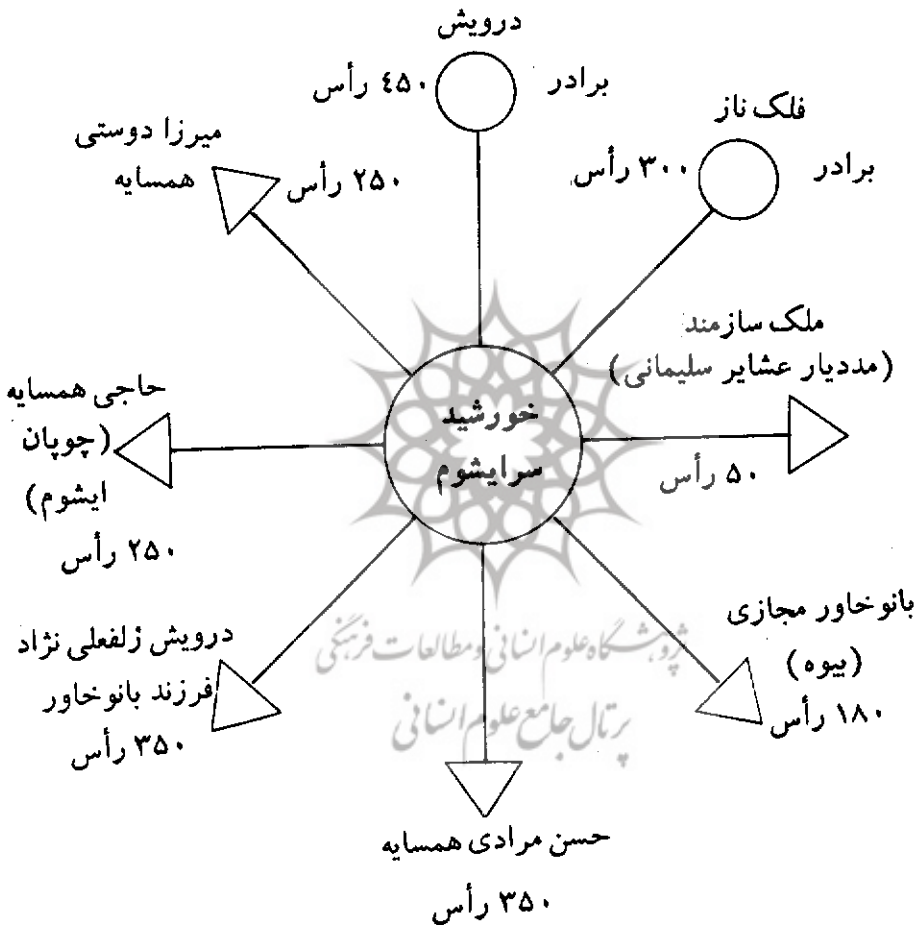
## نمودار ۲

روابط فامیلی و تعداد دام اعضای ایشوم حسین از تیره حسینی طایفه سلیمانی



### نمودار ۳

روابط فامیلی بین اعضاء ایشوم خورشید سلیمانی از تیره میرزاخانی



در چوپان بندی سال ۱۳۶۳ حاجی و درویش و بانو خاور از ایشوم جدا شدند و هنوز چوپان بندی جدید نکرده بودند.



وضعیت ایشوم خورشید سلیمانی در چوپان بندی سال ۱۳۶۸ بشرح زیر می باشد:\*

نام اعضای ایشوم	نسبت با سر ایشوم	تعداد دام
۱ - خورشید	سر ایشوم	۲۰۰
۲ - داراب	همسایه	۴۰۰
۳ - علی	همسایه	۱۰۰
۴ - بانو گوهر و پسرش سهراب	همسایه	۱۰۰
۵ - کرم	چوپان	۲۰۰
۶ - شکراله	چوپان	۱۵۰
۷ - قاسم	چوپان	۱۵۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



\* مربوط به بررسی نگارنده در مهرماه ۱۳۶۸ در معیت آقایان دکتر مسعود شفیق و مهندس بهرام عزمی کارشناسان گروه مطالعاتی هامون از منطقه می باشد.

## ۱-۲: ساخت اکولوژیک

قلمرو سلیمانیا شامل محدوده های سردسیری و گرمسیری بوده از لحاظ اقلیمی و توپوگرافی دارای ۶ زیر اقلیم است که به صورت پلکانی به ترتیب زیر استقرار یافته اند:

- ۱) اقلیم نیمه خشک سرد
- ۲) اقلیم خشک سرد
- ۳) اقلیم خشک معتدل
- ۴) اقلیم بیابانی گرم خفیف
- ۵) اقلیم بیابانی گرم میانه
- ۶) اقلیم بیابانی گرم شدید

### ۱-۲-۱: اقلیم نیمه خشک سرد

این اقلیم با ارتفاع میان ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ متر و بارندگی سالیانه ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیمتر، قلمرو بهارنشین و مرتفع ترین سرزمین سلیمانیا می باشد که همه ساله از نیمه دوم اردیبهشت تا نیمه اول مرداد ماه در محدوده های این اقلیم چون تخت سرطشتک، ملکی، بندرهنزا، اسفنا، کوه شاه لاله زار و قلعه دیلم، پشته بلند سرمشک، در گنجویه به سر می برند. جوامع گیاهی این اقلیم عبارتند از: گونه های خانواده بقولات و گرامینه مانند کارچیک (چاشیر)، کما و ... درختچه و درختان: زارچ (زرشک) و اورس.

از نظر آب و هوایی این اقلیم دارای زمستانهای بسیار سرد و طولانی بوده و دارای مراتع درجه یک می باشد.

### ۱-۲-۲: اقلیم خشک سرد

با ارتفاع میان ۱۸۰۰ تا ۲۵۰۰ متر و بارندگی سالیانه کمتر از ۲۵۰ میلیمتر، قلمرو تابستان نشین سلیمانیا و محل استقرار آبادیهای عشایری منطقه می باشد. این اقلیم در محور راه ارتباطی جیرفت به ساردوئیه، رابر، بافت

قرار دارد. خانوارهای کوچ رو سلیمانی در طول تابستان در آبادیهای متعلق به ایشوم و تیره خود، در زیر درختان باغات و یا در خانه‌هایی که در دو دهه اخیر ساخته اند مستقر می‌شوند. آبادیهای این اقلیم در سه دهه اخیر شاهد اسکان تدریجی خانوارهای کوچ رو و تغییر ساخت اقتصادی و شیوه تولید می‌باشد. مراتع آن از نظر گونه‌های گیاهی همانند اقلیم بالا بوده و درختچه‌ها و درختان گردو، ارژن، بادام کوهی، بنه، کسور، کهکم، لک همراه با زارچ و اورس در آن دیده می‌شود.

مهم‌ترین آبادیهای طایفه سلیمانی در این اقلیم عبارتند از:  
اسفنا، در منطقه سرمشک، قنات ملک، کهنوج خورشید، بندر هنزا.

### ۳ - ۲ - ۱: اقلیم خشک معتدل

این اقلیم با ارتفاع ۱۸۰۰ - ۱۲۰۰ متر و بارندگی سالیانه کمتر از ۳۵۰ میلیمتر، به صورت نواری در جنوب اقلیم خشک سرد و شمال نخستین قلمرو گرمسیر (اقلیم بیابانی خفیف) واقع شده است. این اقلیم ایل راه طوایف کوچ رو منطقه از جمله طایفه سلیمانی می‌باشد که از گذرگاههای آن «راه شاه، راه دولت آباد اسفندقه معروف به راه زیر، راه سرخو بالا» به گرمسیر و سردسیر می‌روند. گونه‌های مرتعی آن عبارتست از جامعه درمنه و گون و گیاهانی مانند کنگر، آویشن، زیره، بادیان، کیاق، زابری، پتروک، اشتره، گوریچ (قیچ) و درختان: بنه، بادام، کهکم، جگ، بید و زیتون از درختان جنگلی آن به شمار می‌روند.

### ۴ - ۲ - ۱: اقلیم بیابانی خفیف

این اقلیم با ارتفاع ۱۲۰۰ - ۱۰۰۰ متر و بارندگی سالیانه کمتر از ۲۵۰ میلیمتر نخستین قلمرو گرمسیری طوایف کوچ رو می‌باشد و برخی تیره‌های طایفه سلیمانی در این قلمرو زمستان‌گذرانی می‌کنند. تیره‌های محمدی، امیر شکاری، میرزا خانی (جعفر) از آن جمله‌اند و شامل دشتهای سرگوریچ،

مهر و نیه. فاریاب و چاه نارنج می‌باشد. مراتع آن مشجر و گونه‌های آن عبارتند از: کلوته، درمان عقرب، شب‌خسب، یاس زرد، افدرا، سلمه، پتروک، شمس (شبدر وحشی) قیج، تاغ‌گز، اسکمیل و گونه‌های خانواده گندمیان و بقولات و درختان:

کهور، کهکم، بادام، کسور (از خانواده پده). کنار، پیروپده. از مشخصات این اقلیم زمستانهای ملایم و تابستانهای گرم می‌باشد.

### ۵ - ۲ - ۱: اقلیم بیابانی گرم میانه

این اقلیم با ارتفاع ۶۰۰ - ۱۰۰۰ متر و بارندگی کمتر از ۲۰۰ میلیمتر دومین قلمرو گرمسیری تیره‌های طایفه سلیمانی محسوب می‌گردد و شامل دشت‌های سلاور، بارگاه، لنگ‌آباد، قوچ‌آباد، کلوک‌امام حسین، بنگود و چاه ریگان (کردی کرمانی) می‌باشد. گذار معروف گل‌کسوره، جلگه سرگوریج، اقلیم پیشین را از این اقلیم جدا می‌سازد. از مشخصات این اقلیم زمستانهای ملایم و تابستانهای بسیار گرم می‌باشد. این اقلیم قلمرو تیره‌های حسینی، مشهدی ولی، میرزاخان (خورشید) می‌باشد و گیاهان مرتعی آن: همانند اقلیم پیشین به علاوه رسم، تودری و سمسیر بوده و درختچه‌ها و درختان آن عبارتند از: گز، تاغ‌گز، اسکمیل، کهور و کنار.

### ۶ - ۲ - ۱: اقلیم بیابانی شدید

این اقلیم با ارتفاع میان ۶۰۰ - ۳۵۰ متر و بارندگی کمتر از ۲۰۰ میلیمتر، شامل کم‌ارتفاع‌ترین قلمرو گرمسیری تیره‌های علی‌دای می‌باشد که از کهنوج تا محدوده غرب هامون جازموریان امتداد دارد. سلیمانیه در این اقلیم با دامداران رمه‌گردان و صحرانشین بلوچ و سایر طوایف جازموریان همسایه می‌شوند.

از مشخصات این اقلیم زمستان معتدل و تابستانهای بسیار گرم و سوزان می‌باشد. جوامع گیاهی آن عبارتند از علوفه‌خانواده گرامینه، گندمیان، شور،



اسکمبیل، تاغ گز و کرک (استبرق) و جامعه جنگلی کهور، کنار، گز و تاغ گز.

\*\*\*

توصیف قلمرو سردسیری طایفه مهنی در سال ۱۲۹۱ هجری قمری به نقل از جغرافیای مملکت کرمان تألیف احمدعلی خان وزیر کرمانی:

در بلوک ساردوئیه. کوهستانی طویل و عریض است؛ در شمال جیرفت و جنوب راین و مشرق اقطاع (بافت). هوایش در نهایت برودت، به طوری که بعضی از دهات و مزارع آن را مردمش در پائیز زراعت نموده و از شدت سرما به جیرفت رفته قشلامیسی کنند. و در بهار مراجعت کرده محصول را نسق و ضبط نمایند. آبش بستر رودخانه و چشمه سار است. چمنها و انگ‌های (چراگاه) طویل و عریض دارد. هوایش بنهایت برودت و آبش به کمال عذوبت. من بنده در آفتاب به سرطان (تیرماه) در آن بلوک بودم. صبح و شب کنار آتش می‌نشستم و هنگام خواب در چادر (سیاه چادر) دو لحاف بر روی خود می‌انداختم مع هذا سرما اذیت می‌کرد... و اما گردوی این بلوک بسیار است از آن جمله یک قریه آن موسوم به سرمشک است، در آن جا رودخانه ایست که دو طرف آن رودخانه دو فرسخ تمام درختان گردکان است. در هنزا و سایر قراء آن از این درخت لاتعدو لاتحصی است بیشتر آن را حمل به بندرعباس و از آن جا به هندوستان می‌برند. کوههای این بلوک: اول بهر آسمان، دویم رمان، سیم بارچی، چهارم لری، پنجم سلیمانی. چشمه سار و زراعت در این کوهستان طویل و عریض بسیار است. معادن متعدد، در این جبال بوده و می‌باشد... درین کوهستان خرس سیاه به سیاهی سگ و گربه سیاه بسیار است؛ مصنف به کرات دیده، شکار کوهی نوعی بز و گوسپند در آن کوهستان بسیار است. زیره زیاد به عمل آید، درخت جنگلی این جبال بیشتر بنه و بادام و

ارچن و کهکم و غوزک است. این کوهستان چشمه سار زیاد دارد و کوهستان متعدده است که زراعت می نمایند و ملک طایفه مهنی است ... عدد نفوس بلوک ساردوئی به طایفه مهنی ۲۲ هزار نفر است.\*

### ۳-۱: مختصات کوچ و الگوی استقرار

کوچ نشینی کهن ترین شیوه زیست و تولید جوامع گله دار به شمار می رود و عبارتست از: جابه جایی مستمر و مناسب با شرایط طبیعی (آب و هوا و علف)

#### ۱-۳-۱: مختصات کوچ

کوچ سلیمانیا از نوع پلکانی یا عمودی بوده و در جهت حرکت از مرتفعات کوهستانی و سردسیر به طرف دشتهای کم ارتفاع گرمسیر و بالعکس انجام می گردد.

سلیمانیا در هنگام کوچ از چهار مسیر یا ایل راه می گذرند:

- ۱- ایل راه آب بادی - اسفندقه معروف به راه زیر.
- ۲- ایل راه مل اشتر - اسفندقه معروف به راه شاه.
- ۳- ایل راه قد رودخانه «هلل رود» - اسفندقه.
- ۴- ایل راه جیرفت، دلفارد، ساردوئی.

کوچ از سردسیر به طرف گرمسیر که به آن «رم پائین» می گویند در نیمه اول آبان ماه آغاز می گردد. در طول کوچ ۱۵ تا ۲۰ اطراق گاه دارند که در هر کدام یک شب توقف می کنند. (نمودار ۳). کوچ از گرمسیر به سردسیر «رم بالا» میان اول تا بیستم فروردین آغاز شده و ایشومها در طول مسیر کوچ به علت سرسبزی مراتع، چران، چران راه می سپرند و این بار در هر یک از اطراق ماهها میان ۳ تا ۴ روز درنگ می کنند و این مسیر را ۳۵ تا ۵۰ روزه طی می کنند. (نمودار ۴).

در هنگام کوچ گله همراه با چوپانان و خانوارها به وسیله شتر جابه جا می شوند.

### ۲- ۳- ۱: الگوهای استقرار:

استقرار در سردسیر و گرمسیر دارای تمایزات و تفاوت‌هایی به شرح زیر می باشد:

#### الف: در گرمسیر

در ناحیه گرمسیری هر تیره قلمروی جداگانه داشته و ایشومهای هر تیره در جای جای آن در نزدیکی منابع آب مستقر می شوند. فواصل ایشومها از هم حدود ۳۰۰ متر است؛ نظام استقرار ایشوم و برپائی سیاه چادرها به شکلی است که گله هنگام اقامت شبانه در محوطه ایشوم‌ها از آسیب گرگ و حیوانات درنده درامان باشد.

ب: در ناحیه سردسیر به دلیل وضعیت کوهستانی و پستی و بلندی استقرار سیاه چادرهای ایشوم از نظر یک جایی یا پراکندگی، از الگوی یکسانی تبعیت نمی کند ایشوم‌هایی کنار هم و ایشوم‌هایی نسبتاً جدا از هم در کنار آبادی یا داخل آن بر سینه تپه یا در ته دره مستقر می شوند؛ در هر دو قلمرو برپائی چادر به عهده زنان است و مردان با آنان همکاری می کنند.

## ۳ رم پائین

## مسیر کوچ تیره حسینی از سردسیر به گرمسیر

سه دار - دندانان - بندر سرمشک - میخو - بیخه اسفناہ: بهار نشین اردیبهشت و خرداد

حرکت از اسفناہ سرمشک (قلمرو تابستان نشین)

گروئیہ

هلیل رود

پدام آباد

کنار رودخانه آب بادی

حسین آباد اسفندقه

فردوس

چرچر جنگا

کل زار کوئیہ

کوه کل قنبر

سمک

بلوک\*

سردک سرگوریچ

سرگذار زرد چین

دم تنگ زرد چین

بنگود

محدوده گرمسیر تیره حسینی

دشت سفید مراد - دشت سلاور - دشت آب باریک (دشت بارگاه)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

\*- محل شهر باستانی ماگون یا مغون در اطراف این آبادی است (کهن و کهن پنجر) در ۲ کیلومتری آن آثار مهمی از دوران نقش نگاری (هیراتیک) بر روی تپه سنگی منفردی در شمال غربی آبادی کهن قرار دارد.

نمودار ۴

ایل راه اسفندقه

مسیر کوچ تیره های میرزاخان، علی دادی، مشهدی ولی

مدت توقف در منزل	مسیر رم پایین	مدت توقف در منزل	مسیر رم بالا
۱ شب	گنگ	۲ شب	گناجان - ابراهیم آباد
۱ شب	هلیل رود	۱ شب	باب بیر
۱ شب	پدام آباد (سرلرد)	۲ تا ۳ شب	رودخانه کم کلاغ (دشت بیچ)
۱ شب	رودخانه آب باد	۴ تا ۵ شب	کل چویان (لرد کیواز)
۱ شب	حسین آباد اسفندقه	۲ تا ۳ شب	تم عسلی
۱ شب	کرمشک منطقه گذارتوت	۳ تا ۴ شب	رودخانه دره پهن
۱ شب		۳ تا ۴ شب	رودخانه کیشکی
۱ شب	چرچر جنگ	۱ شب	گذر مل اشتر
۱ شب	آب بید	۲ تا ۳ شب	چناران
۱ شب	چاه گزو	۳ تا ۵ شب	اطراف دولت آباد اسفندقه
۱ شب	سمک	۳ تا ۴ شب	چاه کنار
۱ شب	بلوک	۳ تا ۴ شب	منطقه گذارتوت زردان
		۲ تا ۳ شب	
۱ شب	جلگه سرگوریچ	۲ شب	گرستی
۱ شب	میرگذار زردچین	۲ تا ۳ شب	قلعه ساقی یا آب بید
۱ شب	دم تنگ زردچین	۱ تا ۳ شب	سمک
منزلگاه گرمسیری	مگود تا چاه ریگان	۲ تا ۳ شب	مراد آباد یا سینر آباد
		۲ تا ۳ شب	جلگه سرگوریچ
		۱ شب (بی آب است)	سرگذار زردچین
		۱ تا ۲ شب	دم تنگ زردچین

قلمرو سردسیری و سرحدی

قلمرو گرمسیری

مهم ترین قلمروهای سردسیری از ساردوئیه و جواران و سیه بنوئیه تا تخت سرطشتک در گنجوئیه در ارتفاعات کوه هزار عبارتند از:

سرمشک، پلنگی، بندر هونی، سوخته چنار، سه دار، دندانه، بندر سرمشک، تخت سرطشتک، ملکی، اسفناء، بندر زونگ، بندر هنزا، کهنوج، قنات سرخ، دختک، آشیانه زر، خمردوئیه، خان گزان، دامنه، سرگدار، خارदान.

مهم ترین قلمروهای گرمسیری از سرگوریچ تا دشت جازموریان عبارتند از:

گزپتن، گلوسید آباد، جلگه سرگوریچ، مهروئیه، فاریاب، چاه نارنج، زردچین، بن گود، چاه ریگان، آب باریک، سلاور، سفید مراد، کهن لطف اله، تهمه ای، آبسردوئیه (قوچ آباد) لنگ آباد، پلکی (دشت شاداب)، سرخ قلعه، بند چاه رضا، خرگوشکی، توریگ عباس آباد.

#### ۴ - ۱: ساختار اجتماعی، اقتصادی

بر اساس نتایج مرحله اول سرشماری عشایری سال ۱۳۵۶ مرکز آمار ایران طایفه سلیمانی از ۱۰ تیرماه ۳۴ اولاد، ۱۰۶ ایشوم، ۷۰۸ خانوار کوچ رو تشکیل شده است (نمودار ۵)، تجمع ۲ تا چند خانوار یا یک گله مشترک ایشوم را تشکیل می دهد.

ایشوم یا اخشام کوچک ترین رده ایلی بعد از خانوار می باشد که معادل خشم و خیل در طوایف سیستان، هلک، جید، در طوایف بلوچستان، مال و بنکو و کرنگ در عشایر فارس، بختیاری و لرستان می باشد. ایشوم و رده های برابر آن یک واحد اقتصادی، اجتماعی بوده و کمیت ثابتی نمی باشند.

#### منابع معیشت:

منابع اصلی معیشت سلیمانیه عبارتست از: رمه داری، کشاورزی و باغداری و صنایع دستی.

## رمة داری:

رمة داری در حیات اقتصادی سلیمانها اساسی ترین رکن تولید به شمار می رود. دام سرمایه اصلی طایفه بوده و مراتع منبع اصلی چرای دام می باشد. هدف از دامداری، تامین غذای خانوار و مبادله فرآورده های دامی مانند پشم، کرک، روغن، کشک، پنیر و دام زنده و تهیه مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز است.

شیوه دامداری سلیمانها «داشتی» بوده و دام به طور عمده متکی به علوفه مراتع طبیعی می باشد و در خشکسالی ها و فصل زایش یک تا دو ماه با علوفه دستی تغذیه می شوند. گوسفند سلیمانی ها از نژاد بلوچی، سویه کرمانی بوده و از نظر بدنی دارای دست و پای بلند برای صعود به ارتفاعات می باشد؛ نژاد بلوچی کرمانی از زمره بهترین نژادهای پشمی ایران به شمار می رود. بز دامداران سلیمانی از نژاد کرکی رائینی با خصوصیات ظاهری رنگ سفید و گاهی شیری، دست و پای بلند مناسب برای طی نمودن مسافتات طولانی و صعود به ارتفاعات می باشد. در ترکیب گله حدود ۴۱ درصد میش و ۵۹ درصد بز بوده و علاوه بر این هر خانوار به طور متوسط دارای یک شتر برای حمل بار و اثاثیه اعضای خانوار می باشد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۶۶ سلیمانها دارای ۳۸۴۳۱ گوسفند ۹۳۴۲۳ بز و ۱۹۱ گاو و ۵۷۹ شتر می باشند. سرانه دام هر ایشوم عبارت از ۳۶۲ رأس میش، ۸۸۱ رأس بز، یک رأس گاو و ۶ نفر شتر است.

## کشاورزی:

زراعت و باغداری از دیگر زمینه های فعالیت اقتصادی سلیمانها در سردسیر و گرمسیر به شمار می رود.

### الف - کشاورزی در سردسیر:

سلیمانها از دیرباز در قلمرو تابستان نشین ناحیه سردسیر در تکه زمین هائی کنار چشمه ها و زیر قناتها مبادرت به کاشتن درختان سردسیری مثمر

مانند گردو، سیب، قیسی همچین درخت سپیدار نموده و در سطحی محدود نیز به کشت گندم و جو و علوفه، سیب زمینی و پیاز، نخود، عدس، ارزن می نمودند. در سه دهه اخیر با تبدیل مراتع قلمرو بیلاقی خود به زمینهای زراعتی به افزایش سطح زیر کشت اقدام و در آبادیهای سردسیر مبادرت به ساختن خانه و سکونتگاه دائمی نموده اند. از ویژگیهای زراعت منطقه سردسیر، تولید، به منظور مصرف خانوار و عرضه مازاد آن به دامداران عشایری منطقه می باشد. برخی از دامداران کوچ رو نیز جزئی مالکیتی بر آب و زمین در این آبادیها داشته و اداره مزرعه را هنگام اقامت در گرمسیر به دیگر افراد فامیل و یا باز یاران (کشاورزان سهم بر ساکن در آبادیهای سردسیر) واگذار می کنند. در هر حال زراعت در این قلمرو در مقیاس خرد و سطوح اندک و محدود انجام می گیرد. بزرگترین آبادیهای سردسیر طایفه سلیمانی عبارتند از: قنات ملک، خارदान، دامنه، مورین و باغ ابراهیم. در چند دهه اخیر باغداری و کاشت درختان صنوبر و گردو نیز در مقیاس سودآور در سردسیر رایج گشته است.

### ب - زراعت در گرمسیر:

از حوالی سال ۱۳۴۷ به بعد تعدادی موتور پمپ، از طرف سازمان جنگل‌ها و مراتع برای تولید علوفه دام (جو، یونجه، شبدر و غیره) به منظور تأمین قسمتی از نیاز غذایی دام و جلوگیری از فشار چرای دام بر مرتع، میان گروه‌های دامدار عشایری منطقه واگذار شد. سلیمانیه نیز حدود ۸ موتور پمپ در تمامی منطقه گرمسیر دریافت داشته که تا امروز نیز در اراضی محدود زیر آن مبادرت به کشت جو، گاوदानه، گندم، اسپرس و یونجه می نمایند و در هنگام عزیمت دامداران به قلمرو سردسیری تا فصل بازگشت آنها به گرمسیر چند نفر از سهامداران هر موتور پمپ به نوبت در سر مزرعه اقامت نموده و به امر آبیاری و داشت و برداشت محصول به نمایندگی از طرف سایرین اقدام می نمایند.



### صنایع دستی

صنایع دستی به طور کلی به عنوان تولید جنبی و مکمل در اقتصاد عشایر سلیمانی به شمار می آید. تولیدات آن بیشتر جنبه خود مصرفی داشته و به ندرت به ویژه در زمینه تولید قالیچه برای فروش عرضه می شود. عمده ترین انواع آن عبارتست از بافت پلاس برای سیاه چادر، گلیم، رختخواب پیچ، قالیچه، خورجین، جوال، طناب، این رشته تماماً به وسیله زنان اداره می شود و زنان به ویژه در تابستان ها که گله برای چرای بقایای زراعت (سیفال) به گرمسیر باز می گردند فرصت لازم برای بافندگی به دست می آورند.

### مبادله:

مبادله عشایر سلیمانی بیشتر با پیله و ران محلی و دکانداران بازارهای سردسیر (رابرو و درب مزار) و گرمسیر (کهنوج و عنبر آباد) می باشد. در گذشته مبادله کالا به کالا و به طور نسبی و سلف بود و امروزه بیشتر نقدی انجام می گیرد. علاوه بر پیله و ران و دکانداران مقداری از مایحتاج عشایر از طریق فروشگاههای تعاونی عشایر تأمین می گردد. سلیمانیاها در طول اقامت در گرمسیر و سردسیر کشک، روغن، پشم و کرک، ترف (قره قوروت) و دام زنده به پیله و ران می فروشند و گندم و برنج، جو، خرما، مواد خوراکی و پوشاک از آنها و نیز شرکت تعاونی می خرند در طول مدت کوچ هیچ معامله ای نمی کنند.

### آئین های زایش و رویش

#### سده سوزی چوپانی جشن زایش رمه و رویش گیاه

قبل از بیان آئین سده سوزی باید اشاره مختصری به قداست اجاق و آتش شود: اجاق، آتش مقدس و معبد نخستین و کانون آغازین زندگی است؛ بقای آتش، نشانه دوام نسل و خانواده است. اجاق نشانه محیط خانوادگی و حریم آن است؛ آتش ایبشوم نشانه قلمرو ایبشوم و خاندان است؛ خاکستر اجاق دارای

نیروئی سحرانگیز است. کماج یا نان مقدس در خاکستر گرم آتش ایشوم پخته می شود و حیات ایشوم در به دست آوردن محصول فرآورده های شیر به اجاق و آتش وابسته است. آتش نشانه نعمت، رحمت و برکت است. آئین سده در میان عشایر بافت و سیرجان «سده سوزی چوپانی» خوانده می شود.

عشایر سلیمانی همانند دیگر عشایر جنوب کرمان «ایام سده» را در دشت قلمرو گرمسیری به سر می برند. شب سده جوانان و نوجوانان هر ایشوم با شور و اشتیاق به جمع آوری بوته و همیشه خشک قیچ و اسکمیل از صحرا می پردازند.\* به سیاه چادرها رنگی و بندی می بندند (آذین بندی می کنند) هر ایشوم، آتش سده جداگانه و متعلق به خود دارد. زمان برافروختن آتش آنگاهی است که خورشید روی به غروب می نهد و می نشیند همزمان با شعله ور شدن آتش شادمانی و دست افشانی و پایکوبی افراد ایشوم آغاز می شود؛ از روی آن می پرند و شعله را به سوی هم هدایت می کنند. در این هنگام سراسر دشت از زبانه و شعله آتش سده ایشومهای مستقر در آن غرق نور و هلهله شادی است.

هنگامی که آتش رو به خاموشی می رود پاس می دارند که کسی بر آتش ایشوم نزند و آن را نبرد.

وظیفه پاسداری از آتش سده ایشوم به عهده جوانان زرنگ و چالاک می باشد. اگر کسی بتواند از آتش سده ایشومی دیگر بدزد، بانک می کند که آتش فلان ایشوم را زدیم.

بخش پایانی آیین به این صورت اجراء می گردد: گروهی از جوانان و کودکان، به رهبری سالار (سرچوپان) به صورت یک گله می شوند و برخی لباسهایی پوستین شکل می پوشند و زنگوله به گردن آویزان می کنند. در این هنگام سالار، سرگله شده و سایرین به دنبال او راه می افتند و ابتدا به درب سیاه چادر (پلاس) سر ایشوم می روند و سرگله می خواند:

خونه سردار کدومه      بره پروار کدومه

\*- پیش از این فراهم ساختن همیشه کار بزرگان خانواده بود و جوانان را در آن سهمی نبود.

\*- می خوانند «سده سده پنجاه شب دیگه تا نوروز»

هَلِّلَه چو و بَع

بقیه می گویند:

بره پروار همینه

خونه سردار همینه

هَلِّلَه چو و بَع

همگی مصرع آخر را به شیوه جالبی، گله وار ادا می کنند و به ترتیب پلاس

به پلاس می روند و سر سالار می خوانند

پشت کوهها می چرید

میش سیاه سندلی

به خورد گرگون می کرد

دنبه بزرگون می کرد

هَلِّلَه چو و بَع

و نقل و کشمش و آجیل، آرد و روغن و غیره می گیرند. نقل و کشمش و آجیل به کودکان (کهره ها و بره ها) داده می شود. آرد و روغن را برای پختن نان کماج خمیر می کنند. مهره ای سبز\* (شولک سبز) را داخل خمیر می نهند و کماج را داخل آتش سده می گذارند تا بپزد. وقتی پخت آنرا تکه تکه کرده به دامداران بزرگ می دهند و به زنان باردار (اشکمی) نیز برای تبرک می دهند. اضافه مانده از کماج را برای تبرک به سایر خانه ها می دهند و می پایند که مهره سبز در سهم کدامیک از افراد ایشوم پیدا می شود؛ آن فرد را گرفته و به گونه نمایشی کتک می زنند\* و اگر دق دلی داشته باشند سرش خالی می کنند. بعد یکی از افراد ایشوم ضامن او می شود که تا چهار روز دیگر باران بیاید. باران که بیارد شادمانی می کنند و طرف را در نزد خداوند با آبرو می شمارند.



برگزاری جشن سده و برپایی آن علاوه بر عشایر منطقه در میان ده نشینان نیز کامیابش متداول است. در آبادی بلوک از دهستان اسماعیلی شهرستان جیرفت

\*- مهره سبز را به میان بیابان باید (= شایسته است) داشتن، باران بارد، کامیابی افزایش... باورهای کهن، ترجمه مقاله پهلوی «نشان مهره ها» از دکتر مهشید میرفخرایی، مجله چیستا، شماره های سال دوم، دی ماه ۱۳۶۱ صفحه ۵۸۰ - ۵۷۴

\*- در این مراسم که شبیه «تورنا» بازی است، سالار یا سرچوپان نقش جلا د را بازی می کند.

که یکی از منازل ایل راه سلیمانیه است، شب دهم بهمن ماه آتش بزرگی به نام آتش سده با چهل شاخه از درختان هرس شده باغها به نشانی چهل روز چله بزرگ در میدان ده بر می افروزند و از روی آن می پرند و می خوانند:

سده سده دهقانی\*

چهل کنده سوزانی

هنوز گویا زمستانی

شماری دیگر از آیینها و باورداشتهای عشایر:

غیر از جشن سده در میان سلیمانیه باورداشتهای و آیینهای دیگری نیز وجود دارد که نشانگر قدمت و ماندگاری سنتهای باستانی بویژه در ارتباط با باروری، تولید، تبدیل فرآورده، کوچ و استقرار، مبادله می باشد این آیینها و باورداشتهای در میان طوایف مجاور سلیمانیه از حوزه سیرجان تا جیرفت کمابیش با تفاوتهایی اندک بر گزار می شود. در این قسمت به ذکر بخشی از آن به شرح زیر می پردازیم:

(۱): مراسم توچشمی

(۲): شایدها و نشایدها

(۳): جشن کوچ

(۴): آئین بهره برداری از شیر

(۵): باز کردن روغن و خضری شده شیر

(۶): زیارت پنج تن یا جشن سرسال

(۷): مراسم قوچ اندازون

## ۱- توچشمی

سلیمانیه در بازگشت «رم بالا» و حرکت به سردسیر در فاصله زمانی

\*- در منطقه جیرفت به جای سده دهقانی «سده سلطانی» خوانده می شد.

میان بلوک و اسفندقه می‌رسند و در این محل ۲ تا ۳ شب توقف می‌کنند. هر خانواری الزاماً به نام حضرت ابوالفضل یک بره یا بزغاله (کهره) طی مراسمی مخصوص قربانی می‌کند؛ از جمله خون قربانی نباید به زمین ریخته شود و آن را به دیوار رو به آفتاب می‌پاشند. این مراسم برای دفع قضا و بلا و گزند جانوارن بویژه گرگ از گله انجام می‌گیرد.

## ۲- شاید و نشاید ها

سلیمانها سفیدی را از هر نوع (آرد، نمک، کره، روغن، دوغ، ماست، کشک، تخم مرغ) نزدیک غروب آفتاب از پلاس بیرون نمی‌دهند. همچنین آتش را بعد از غروب آفتاب و صبح گاه (سپیده صبح) بیرون نمی‌دهند. در برپائی پلاسه آنها را طوری برپا می‌کنند که اجاق و آتش خانوار پشت یا پهلو پلاس همسایه نباشد؛ مگر جوی آب از وسط آنها بگذرد که در این صورت عقیده دارند آتش نمی‌گذرد. چوبدستی چوپانی که صبح به همراه گله می‌رود، مستقیماً از طرف سر ایشوم یا صاحب گله به او داده نمی‌شود. چوبدستی را به زمین می‌اندازند و چوپان، هر کس که می‌خواهد باشد حتی پسر صاحب گله، حتماً باید آن را از زمین بردارد.\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## ۳- جشن کوچ

تصمیم راجع به حرکت از گرمسیر به سردسیر (رم بالا) پس از دیدن ستاره که قمر در عقرب نباشد و با مشورت بزرگتران و ریش سفیدان گرفته می‌شود و صبح «کوچ بار» دو کپه آتش در محوطه جلو ایشوم رو به سرحد یا سردسیر روشن می‌کنند و در پارچه تمیزی مقداری آجیل و شیرینی می‌گذارند. گله زائیده را از میان آتش و از زیر قرآن می‌گذرانند؛ اسفند دود می‌کنند؛ آنگاه دختری نابالغ، بادیه‌ای آب پشت سر گله به زمین می‌پاشد و اعضای

\*- مارنماد زمین است و چوبدستی سمبل مار و نماد زمین

خانوارهای ایشوم با خوردن آجیل و شیرینی، مراسم را به پایان می‌رسانند و سپس به برچیدن سیاه چادرها و جمع آوری اثاثیه پرداخته، سوار بر شتر راهی اولین منزلگاه می‌شوند.\* منزل اول قبل از پایین گذاشتن بار و بنه، همسر سرایشوم، سه پایه مشک را رو به سرحد (رم بالا) برپا می‌دارد. در هنگام رم پایین هم در منزل اول مجدداً سه پایه را رو به گرمسیر برپا می‌دارد.

#### ۴ - آیین شیرواری

شیر میش و بز (گوسفند) مال خواجه خضر است، نباید آلوده شود و چشم ناپاک به آن بیافتد و از ما بهتران هنگام ماست زدن و کره گیری به آن نزدیک نشوند؛ بدین خاطر آئینهای برای برکت و نگهداری از شیر به شرح زیر انجام می‌دهند:

#### (الف): برکت

پس از زایش رمه، شیر میش و بز تا حدود ۲ ماه تماماً به بره‌ها و کهره‌ها (بزغاله‌ها) داده می‌شود تا جان بگیرند و قوی شوند، شیر در این مدت رقیق و کم چربی است از حوالی نوروز، قسمتی از شیر را برای خوردن خانوار و تبدیل آن می‌دوشند؛ آنگاه در حدود اواخر اردیبهشت که دامهای کوچک علف خوار می‌شوند و شیر میش هم به خاطر رشد و تکامل گیاه و چریدن گونه‌های گیاهی ممتاز (کما، گارچیک و ...)، غلیظ و چرب می‌شود و قابل روغن گیری و تبدیل آن به سایر فرآورده‌ها می‌گردد، پیمانه می‌شود. بدین ترتیب که شیر تمام گله، به نسبت تعداد میشهای هر خانوار، در هر وعده به یک خانوار داده می‌شود و دیگران مقدار شیری که به خانوار می‌دهند در ظرفی پیمانه کرده و اندازه آن را مشخص می‌کنند و این خانوار در روزهای دیگر بسته به تعداد گوسفند و مقدار آن در یک یا چند دوره آن را باز پس می‌دهد. این نوع رسم همیاری سنتی

\*- کردن رمه دار رفتن به گرمسیر از سرحد را هم جشنی دارند به نام جیژنه هوارنمان یا جیژنه بانه مری که از اول تا سوم اردیبهشت ماه برپا می‌کنند.

میان دیگر دامداران کوچ رو البرز و زاگرس متداول است و به نام واره یا وره و تراز خوانده می شود. با انجام این رسم خانوار به مقادیر اقتصادی شیر برای تبدیل دست می یابد و به او امکان داده می شود تا بتواند در یک نوبت نسبت به تهیه ماست و بعد کره گیری و تهیه روغن، کشک، ترف (قره قوروت) و سایر فرآورده ها اقدام و مازاد بر مصرف روزانه و ذخیره سالیانه خانوار را برای فروش عرضه نمایند.

زن خانوار مقداری در حدود یک استکان از اولین شیر دوشیده و چند قاشق از نخستین ماستی را که برای کره گیری و تبدیل به روغن زده اند، در لانه مورچه می ریزند و بر این باورند که چون مورچگان بسیارند و از آن می خورند، برکت زیاد شده و شمار بیشتری از فرآورده و محصول خانوار خواهند خورد.

#### (ب): حصار کشی و خضری شدن

روغن گرانبها ترین فرآورده و مشتقات شیر می باشد و شیر و ماستی که هنگام باز کردن روغن (روغن گیری) تهیه می شود، باید از نگاه ناپاک دور بماند و شور چشمان به آن نظر نزنند و جن و پری و از ما بهتران آن را نبرند. در میان سلیمانیاها و دیگر طوایف همجوار مانند لک ها، پشتکوهی ها در این هنگام رسم بر این است که زنان خانوار در موقع روغن گیری (باز کردن کره) تمامی اطراف چادر را می بندند و از ورود افراد (حتی پسران و مردان خانواده) به داخل پلاس جلوگیری می کنند و تا سه روز بعد هیچکس حق سلام ندارد و هر کس سلام کند نیت بد می کنند که میش یا بزشان (گوسپندشان) از میان می رود و در این صورت تا هر زمان که دامهاشان تلف شود به گردن آن شخص می گذارند. چهار طرف دیگ را هم ریسمان می کشند و بادو کار «قیچی پشم چینی» دور اجاق را خط می کشند و حصار می کنند تا از ما بهتران شیر را نزنند و برای دفع گزند و چشم زخم، اسفند و کندر دود می کنند و بر این باورند که در طول بستن شیر و تبدیل آن به ماست حضرت خضر پیامبر به سر دیگ آمده و آن را نظر می کنند. پس از روغن گیری تگ مسگه (ته دیگ) را که حاوی دُرد و لور است با خرما و

آئینهای زایش و رویش ...

آرد و زردچوبه درهم کرده و حلوانی می‌پزند و به همه افراد ایشوم و همسایگان می‌دهند و به آنها که بینوا و کم دولت هستند بیشتر می‌دهند.

### ۵ - رسم سیزده گردی

شب سیزده هر خانوار ده نشین بر بام خانه و هر خانوار کوچ رو در جلو پلاس آتشی برپا می‌کنند و می‌خوانند «سیزده بدر، چهارده رسید» و به طور نمایشی و سمبلیک، آتش به طرف هم پرتاب می‌کنند.

### ۶ - زیارت پنج تن یا جشن سرسال و نوروز

این مراسم همه ساله از آغاز سال نو به مدت ۳ روز در اطراف قدمگاه یا زیارت پنج تن در مهناباد واقع در خاک رودبار جیرفت برگزار میشود. همزمان با آن بزرگترین بازار سالانه منطقه نیز تشکیل می‌شود؛ بدین ترتیب که از حدود دهم اسفند به بعد دکانداران عنبر آبادی و سپس رودباری و محلیها به مهناباد آمده چادر می‌زنند و برپائی بازار را تدارک می‌بینند. آنگاه جمعیت بی شماری از تمامی ده نشینان و عشایر ساکن در منطقه جیرفت و مناطق مجاور آن به مهناباد که در این هنگام از غایت سبزی و خرمی و لطافت هوا بهشت را می‌ماند، وارد شده و با برپائی چادر و اقامت در زیر درختان و قربانی گوسفند و فراهم ساختن سورا و سات به شادی و تفریح می‌پردازند.

در این هنگام مهناباد به صورت بازار سالیانه برای مردمی در می‌آید که از ساردوئیه تا منوجان و از فاریاب تا دلگان بلوچستان برای شرکت در بزرگترین اجتماع انسانی گرد آمده‌اند.

در گذشته که ماشین نبود از تمامی مناطق، حتی حوزه هرمزگان و نواحی جازموریان در بلوچستان با شتر و گاو در این جشن شرکت می‌نمودند. در حال حاضر کالاهای عرضه شده در این بازار به ترتیب اولویت عبارتند از: گوسفند، قالی، پتو، پارچه، نذورات مردم بر این زیارت در گذشته بیشتر جنس و کالا از قبیل خرما، گندم و جو بوده است. که به «شیخ‌های» قدمگاه که از یک طایفه



می‌باشند می‌دهند.

## ۷ - مراسم قوچ اندازون

از صدم یا صد و بیستم که نری (قوچ و یا پازن) را در گله میش و بز می‌اندازند نخست آن‌ها را با رنگ‌های سرخ و سبز به طرز دل‌انگیزی می‌آرایند و بر پشت آن‌ها به ویژه در قوچ‌ها نقوش مختلفی از جمله نقش چهار خال و چهار سو یا چلیپا را برای دفع چشم‌زخم و گزند و طلب برکت و فراوانی و باروری می‌کشند. و آنگاه نری‌ها را به دره‌ای در کنار ایشوم می‌برند و سپس داخل گله می‌نمایند. اولین شب قوچ اندازون را با پختن حلوائی در سیاه چادر جشن می‌گیرند و به اولین نری که وارد گله شود آب نبات می‌دهند.\*

---

\*- کردان گله دار این جشن را «جیژنه بران تی بردانی» می‌گویند و بزرگ‌ترین جشن آنان است که در آخرین روزهای زندگی در سردسیر انجام می‌گیرد و در آن به شادمانی و پایکوبی می‌پردازند. نیکیتن از آن به نام «بران بروان» نام می‌برد. (کرد و کردستان ترجمه احمد قاضی، ص ۱۳۶ - ۱۳۳).  
طالبش‌ها به این مراسم «نره اورین قوچ اندازون» می‌گویند که در مردادماه پیش از حرکت به گیلان انجام می‌گیرد (طالبش‌های خوشابرو، نوشته عباس - عبدالله گره‌سی، موسسه پژوهش‌های دهقانی و روستائی ایران).

### متن فرمان حکومت صارم السلطان.

چون برای سرپرستی اهالی و انتظام حدود جیرفت و اسفندقه و مهنی و رابر یک نفر حاکم کاردان لازم بود، نظر به مراتب کفایت و فرط لیاقت و درایت آقای لطفعلیخان صارم السلطان که امتحانات خود را در هر مورد، به حسن کفایت و مردمداری داده است، علیهذا حکومت محال مزبوره به کف کفایت و عهده شهامت مشاراله مفوض و محول شد. به صدور این حکم امر و مقرر می دارد که عموم اهالی آن حدود از اعالی و ادانی مشارالیه را حاکم بالاستقلال خود دانسته، امر و نهیش را تابع و طایع باشند.

خروج از دفتر ایالتی

شهر رمضان سال ۱۳۳۲ هجری قمری

امضاء صمصام السلطنه



## پی‌نویسها

۱) بنا به متون و اسناد مانوی یافت شده در تورفان، ایزدمهر در روز آغازین زمستان زاده شد. شب یلدا یا شب زادن مهر را ایرانیان جشن می‌گرفتند و هنوز هم به عنوان شب یلدا و شب چله مراسمی شادمانه دارند. در آئین مهری چهلمین روز تولد و چهلمین روز مرگ مراسمی به جشن و سوگ داشته و این مراسم کمابیش در سنت اقوام ایرانی جای گرفته و برگزار می‌شود.

از جمله: حمام چله نوزاد و شستشوی نوزاد با جام چهل کلید و مراسم آن در تهران قدیم. و یا باور داشت از چله در آمدن نوزاد و آب چله خوری که به معنی از خطر رستن نوزاد و ماندگار شدن او می‌باشد و چهل روز عزاداری در عشایر ممسنی. شاید مراسم دیگر جشن سده در گذشته میان اقوام ایرانی نشانه چهلمین روز زادن و ماندگاری ایزد مهر بوده است. عدد چهل در آئین مهر و مانوی و میان ایرانیان مسلمان، مقدس و ستوده می‌باشد و در میان رسوم مختلف ایرانیان جای ویژه‌ای دارد؛ مانند (چله نشستن، چهل تن یا چهل مردان، چهل روز آب و جارو کردن برای دیدن حضرت خضر: چهل قل هو الله خواندن، چهل چراغ و چهل سبزه، ...) در مورد مهر به مقاله‌های استاد پور داود و دکتر محمد مقدم در مجله دانشکده ادبیات شماره ۲ سال ششم (تهران دی ماه ۱۳۳۷)، شماره یک، سال هفتم (تهران مهرماه ۱۳۳۹) و نیز کتاب «آئین میترا» نوشته مارتن و رمازون ترجمه بزرگ نادر زاد، کتابفروشی دهخدا ۱۳۴۵ و بیخ مهر نوشته احمد حامی چاپ داور پناه ۱۳۵۵ نگاه شود.

۲) نگاه شود به، مطالعه جامع توسعه اقتصادی و اجتماعی حوزه آبریز غرب جازموریان، گروه مطالعاتی هامون، سازمان برنامه و بودجه معاونت امور مناطق، آذرماه ۱۳۶۳، جلد اول، منابع طبیعی «گزارش هواشناسی».

۳) در مورد وضعیت پوشش گیاهی و تیپ بندی و ظرفیت آن، نگاه شود به مآخذ بالا. جلد دوم، منابع طبیعی «گزارش‌های مرتع و جنگل».

۴) فصلنامه ذخایر انقلاب شماره اول، مقاله عشایر جازموریان از مسعود شفیق.